

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۵۲-۱۲۳

گونه‌شناسی آداب نماز حاجت: مدخلی بر تاریخ‌گذاری گونه‌ها *

دکتر حامد خانی (فرهنگ مهروش)
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر
Email: Mehrvash@hotmail.com

چکیده

به جای آوردن نماز حاجت چونان یکی از مناسک رایج در فرهنگ اسلامی، از دیرباز تداول داشته، و مورد توجه بوده است. برای اقامه آن در روایات مختلف، آداب متنوع و اعمال متفاوتی دیده می‌شود. گرچه حتی برخی از این آداب و اعمال تنها در متونی بس متأخر آمده، ترویج عمده آنها به بزرگان دین همچون پیامبر(ص) و ائمه(ع) منتسب گردیده است. این مطالعه بنا دارد با شناسایی این گونه‌های متنوع و کوشش برای دسته‌بندی آنها، راهی فراروی تاریخ‌گذاری آیینهای نماز حاجت و روایاتشان بیابد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ادبیات دعایی شیعه، مناسک جهان اسلام، آیینهای شیعی، تاریخ‌گذاری روایات، آداب و رسوم عبادی مسلمانان.

*- تاریخ وصول: ۸۹/۶/۱۱؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۱۲/۸

درآمد

نماز حاجت، منسکی است فردی و مستحب، رایج در میان عموم مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، به‌منظور حاجت‌خواهی از خداوند، که معمولاً این خواهش بعد از نمازی خاص، و البته گاهی هم ضمن آن صورت می‌گیرد. در روایات اسلامی، برای نماز حاجت آدابی از قول بزرگان دین نقل شده و تنوع روایات به پدید آمدن گونه‌های مختلف منسک انجامیده است؛ گونه‌هایی که در کیفیت نماز و حاجت‌خواهی، یا عبادات پیشین و پسین آن با هم تمایز دارند.

در این گونه‌ها ممکن است حاجت، هر یک از مصالح دنیوی یا اخروی باشد (ابن ماجه، ۴۴۱/۱)، مانند رفع گرسنگی (کلینی، ۴۷۵/۳)، نیاز دعاگر به یاری فردی (همان‌جا)، دفع شرّ ظالم (طوسی، مصباح‌المتهجّد، ۴۲۳-۴۲۴)، رفع اندوه (مجلسی، ۳۴۱/۸۸)، یا عافیت و رستگاری (طوسی، مختصر الاحکام ۲ / ۴۴۸-۴۴۶). به همین ترتیب، ممکن است منسک، به انگیزه حاجت‌خواهی برای غیر بر پا شود، همچون درخواست حاجت‌روایی برای اعضای خانواده و دوستان (یحیی بن سعید، الجامع الشرایع، ۱۱۵)، یا حتی طلب رفع گرفتاریهای عموم (کفعمی، البلد الامین، ۳۲۵). تنها شرط است خواسته‌ای نامشروع چون قطع رحم نجویند (طبرسی، ۳۴۰). زمان برپایی منسک نیز همواره وقت درماندگی و نیازی خاص نیست؛ بلکه به جای آوردن برخی گونه‌هایش گاه چونان برنامه‌ای زمانمند برای طول هفته، ماه، سال و حتی حدّ اقل یک بار در طول عمر توصیه شده است (ابن ماجه، ۴۴۳/۱؛ نیز نک: زیدی یمنی، ۶۱). در میان اعمال مختلف این منسک، نماز جایگاهی ویژه دارد و از همین رو در سنت اسلامی اصل منسک چونان یک سنخ نماز شناخته شده است. در نماز نیز، معمولاً تکرار ذکر یا سوره‌ای خاص، جایگاه بنیادی دارد.

از میان گونه‌های فراوان نماز حاجت، همچون دو نمونه شناخته در میان شیعیان و عامه، می‌توان به ترتیب نماز حاجت منتسب به امام صادق(ع) (کلینی، ۴۷۶-۴۷۷)، و نماز

حاجت یاد شده در حدیث «عبدالله بن ابی‌أوفی»^۱ در انتساب به پیامبر اکرم (ص) (ترمذی، ۱/ ۲۹۷-۲۹۸) را یاد کرد. گذشته از اختلافات جزئی، در این هر دو روایت سخن از آن است که پیشوایی دینی به یک درمانده پناهجو، گزاردنِ نمازی خاص با آدابی پیشینی و دعایی در پایان آموزش می‌دهد و وی را به برآمدن حاجتش با مراعات این آداب، امیدوار می‌کند.

ارائه تعریفی جامع اشکال متنوع نماز حاجت، و مانع از تداخل با مناسک دیگر، مثل هر پدیده تاریخمند، کاری مشکل به نظر می‌رسد. رفتارهای عبادی دیگر نیز هستند که کمتر نماز حاجت نام یافته‌اند، ولی همان ارکان را دارند. برای نمونه، نماز استخاره در اشکال نخستین و بدون تفألش (ابن ماجه، ۱/ ۴۴۰)، نماز جعفر طیار (ابن ماجه، ۱/ ۴۴۲) «صلاة التسبیح»، نماز عُفَیْلَه (کفعمی، مصباح المتعجد، ۳۹۸)، نماز استطعام (کاشف الغطاء، ۱/ ۲۶۱)، نماز دفع شر سلطان، نماز قضای دین، و نماز لیلۃ الدفن (همان) را می‌توان یاد کرد که معمولاً در ادبیات دعایی جهان اسلام چونان مصادیق نماز حاجت یاد نشده‌اند، اما بر پایه تعریف فوق، گونه‌هایی از نماز حاجتند. به همین ترتیب، مناسکی مانند نماز دین هم هستند که در عین یاد شدن در کنار نمازهای حاجت (طبرسی، ۳۳۶)، منسکی مستقل نیز به حساب می‌آیند (ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۲۱۵). همه موارد یاد شده، مناسکی فردی، متشکل از عباداتی پیشینی، نماز، و حاجت‌خواهی هستند. حتی انگیزه «طلب حاجت» نیز در همه آنها مشترک است. فارغ از نگرشی تاریخی و تنها با نظر به سنت محدثان مسلمان در شناساندن مصادیق نماز حاجت، دشوار بتوان فهمید چرا برخی از این انواع همواره مستقل از نماز حاجت شناخته شده‌اند، یا اینکه چرا از میان انبوه نمازهای حاجت، برخی نام خاص نیز یافته‌اند. از نگاهی کلان، شاید نتوان هیچ آیین نمازی را تصور کرد که شباهت چشمگیر با جانبی از طیف وسیع مناسک نماز حاجت نیابد، یا با هدف درخواست حاجتی از خداوند - به همان معنای وسیع کلمه که در این منسک مد نظر است - صورت نگرفته

باشد. شاید به سبب سختی همین تمییز است که برخی محدثان، همچون عیاشی، با وجود تعدد نگارش‌هایشان درباره انواع نماز، ترجیح داده‌اند انواع متعدد نماز حاجت را با دیگر نمازهای مستحبی کنار هم ببینند و در یک اثر با هم بنشانند (نک: ابن ندیم، ۲۴۶ که از اثر وی با عنوان کتاب *صلاة الحوائج و التطوع* یاد می‌کند).

شاید بتوان گفت نماز حاجتهایی که در سنت محدثانه جدا طبقه‌بندی شده‌اند، خود از دو سنخند: برخی از آن سبب مستقلند که پیش از رواج عمومی اشکال مختلف نماز حاجت، خود رواجی عام داشته‌اند (همچون نماز جعفر طیار)؛ برخی دیگر نیز (همچون نماز ادای دین)، به مرور با کثرت رواجشان، از نماز حاجت استقلال، و چونان منسکی مستقل رواج یافته‌اند. در این مطالعه تنها مصادیقی از نماز حاجت مورد توجه خواهد بود که در سنت محدثان مسلمان، ذیل عنوان «نماز حاجت» جای گرفته‌اند.

طرح مسئله

الف) جایگاه نماز حاجت در فرهنگ اسلامی

در باور عمومی مسلمانان، دعا و نماز را پیوندی مستحکم است. نماز، بارزترین جلوه نیاز انسان به خداست و غریب‌ترین کارها با نماز و دعا بعد از آن می‌تواند ممکن شود. فراتر از روایات متعددی که مؤید این معنایند (برای نمونه، نک: ابن ابی‌شیبیه، ۲۳/۷؛ کلینی، ۲/۴۶۶)، می‌توان به نشان رواج این باور در میان عموم، جلوه‌های آن را در شعر فارسی بازجست. گاه در این اشعار دعای همراه با نماز نماد خواسته‌ای از عمق جان (عبید زاکانی، ۱۳۳ بیت ۷ از *قطعه ۲۰*)، و در برابر، دعای بدون نماز رفتاری زنده تلقی شده است (مولوی، *غزل ۱۱۹۴*، بیت ۵) و حتی^۱ گاه نماز و دعا، با وجود تمایزشان، چونان دو نام برای اشاره به یک رفتار کاربرد یافته‌اند (امیر خسرو دهلوی، *غزل ۶۳۳*، بیت ۹).

در یک چنین فضای فرهنگی می‌توان طیف وسیعی از مناسک را انتظار برد که پیوندی میان نماز و دعا برقرار کنند. در یک دسته‌بندی کلان، می‌توان گفت حاجت‌خواهی

از خداوند به همراه نماز، در فرهنگ اسلامی سه شکل مختلف پیدا کرده است. گاه این حاجت ضمن نمازهای روزانه (و مثلاً در قنوت یا سجده آخر آنها) طلب می‌شود؛ گاه در پایان نمازهای واجب، و به همراه اذکار و ادعیه‌ای که در فرهنگ شیعی، «تعقیبات نماز» خوانده می‌شوند؛ و گاه نیز با اقامه منسکی مستقل و به همراه آدابی متفاوت صورت می‌گیرد، که فرد اعلائی این قبیل حاجت‌خواهیها، نماز حاجت است.

در میان سه شکل یاد شده طلب از خداوند به همراه نماز، به جای آوردن نماز حاجت از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید ضروری باشد که در سخن از علل و اسباب این اهمیت، نخست به منابع بنیادین فرهنگ اسلامی توجه کرد. قرآن کریم به صراحت از چنین منسکی نمی‌گوید، ولی می‌توان برخی اشاراتش را پشتوانه اثربخشی آن دانست. برای نمونه، آن گاه که به یاری جستن از خدا با صبر و نماز می‌خواند (بقره ۲/۴۵)، نماز چونان راهی برای مددجویی شناسانده می‌شود. برخی روایات با تفسیر صبر در این آیه به روزه (ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، ۷/۲)، زمینه دلالت بیشتر آن بر مناسک نماز حاجت، و روزه و نماز مندرج در آن را فراهم ساخته‌اند (نک: مقدس اردبیلی، ۱۲۸). افزون بر قرآن کریم، در روایات اسلامی نیز جدا از انتساب برخی گونه‌های نماز حاجت به خود پیامبر(ص)، شواهدی هم از پابندی ایشان به گزاردن این نماز ارائه شده است. برای نمونه، گفته‌اند پیامبر(ص) با پا نهادن به مدینه، کنار نهر آبش درنگ، و برای سعادت مردم شهر نماز و دعا نمود (ابن ابی‌الحدید، ۸۶/۱۴-۸۷).

در سایه باور به همین جایگاه والای فرهنگی برای نماز حاجت است که گاه برخی مفسران، ذیل آیه ۹ از سوره مؤمنون (۲۳)، پابندی به نماز را مستلزم به جای آوردن همه انواع آن، و از جمله نماز حاجت شناسانده‌اند (زمخشری، ۱۸۱/۳). شواهد از فراگیری باور به اثربخشی این نماز فراوان است. بر پایه برخی روایات، با نماز حاجت بود که صالح نبی برای قومش از دل کوه ناقه برون کرد (ابن اثیر، ۹۰/۱)؛ همچنان که

برخی پیامبران دیگر نیز همچون ذی‌الکفل (ابن طاووس، *سعد السعود*، ۲۴۰-۲۴۱) یا یوسف (عیاشی، ۱۹۹/۲) با آن حاجت‌روا شدند. غیر انبیاء هم با گزاردن آن، کرامات می‌نموده‌اند (حلی، ۱۲۹-۱۳۰). رواج داستانهای متعدد مبنی بر استجابت بزرگان با برپایی این منسک (برای نمونه، نک: ابن کثیر، ۱۴۹/۱۰)، شاهد دیگری بر اهمیت آن از نگاه مسلمانان است. نزدیکی نماز حاجت به اجابت، چنان دانسته می‌شده است که حتی گفته‌اند برخی گونه‌هایش را از بی‌خردان دور دارند، مبادا که برای گناه از آن بهره جویند (ابن طاووس، *المجتبی*، ۵۳).

در روایات اسلامی، اجابت وعده شده با نماز حاجت، محدود به پیشامد مشکلی درداور و داشتن اندوهی بزرگ در دل نیست (ابن ابی‌دنیا، ۲۵). به همین سبب، در تداول عموم، نماز حاجت فراتر از یک رفتار مستحب نگریسته می‌شده است که گاهی به جای آورند و گاهی درگذرند. به عنوان یک نمونه، می‌توان به توصیه غزالی در آثار خویش بر تأثیر این نماز در تهذیب نفس و ضرورت مداومت بر آن در ایامی از هفته اشاره کرد (*سر العالمین*، ۵۹؛ *احیاء علوم‌الدین*، ۱۹۹/۱). گاه سفارش کرده‌اند معلم قبل از تدریس با نماز حاجت از خدا خیر طلب کند (زیدی یمنی، ۶/۱)؛ که نشان می‌دهد چقدر اقامه آن، کاری رایج و معمول دانسته می‌شده است. سخن ابن طاووس در وصیت به فرزندش نیز، مبنی بر مقدم داشتن نیاز امام زمان (ع) بر خویش در نماز حاجتی که هر هفته می‌خواند (ابن طاووس، *کشف‌المحجّة*، ۱۵۲)، باز شاهد دیگری بر تداول گسترده این عمل است. به این همه، برخوردارگی برخی نمونه‌های آن از نامهای خاص و جداگانه را باید افزود، که به‌خوبی حکایت‌گر گستردگی رواج آنها، و پیش رفتنشان تا مرز تبدیل به آیینی مستقل است. از این میان، می‌توان به نماز فرج، نماز مکروب، نماز تظلم، نماز پدر برای فرزند، نماز فرزند برای والدین، نماز ادای دین، نماز گرسنه، نماز جلب روزی، نماز طلب فرزند، نماز ترس از ظالم، نماز تقویت حافظه، نماز حفظ قرآن، نماز گمشده، و نمازهای مختلفی برای طلب خیر از خداوند اشاره کرد (نک: طبرسی، ۳۲۵).

پایه‌پای رواج این منسک در فرهنگ اسلامی، بحث فقهی نیز درباره آن به‌ویژه در میان شیعیان گسترش یافته است. فقیهان شیعه افزون بر باور عمومی به استحباب نماز حاجت (علامه حلی، *منتهی‌المطلب*، ۳۶۲/۱؛ قس: *فتاوی‌اللجنة*، شماره ۶۱۹۳)، با توجه به فضیلت اصل «نماز گزاردن»، اشکالی در عمل به گونه‌های یاد شده در روایات ضعیف نیز ندیده‌اند (محقق حلی، ۳۷۴/۲). آنها به اجماع، بر غسل آن نیز چونان عملی مستحب تأکید کرده (فاضل هندی، ۱۵۶/۱-۱۵۷)، و در این باره بحث کرده‌اند که آیا چنین غسلی به تنهایی برای دعا در طلب حاجت نافع است، یا همواره باید همراه با نماز باشد (همو، ۱۵۷/۱). در سخن از تداخل اسباب و مسببات در غسل، تداخل غسل نماز حاجت با دیگر موارد یک مثال رایج است (مفید، *الاشراف*، ۱۷-۱۸). نیز، گفته می‌شود که در غسل نماز حاجت، نیت سبب غسل هم لازم است، وگرنه عمل باطل خواهد بود؛ برخلاف نمازهای واجب که تنها نیت رفع حدث در آنها کافی است (علامه حلی، همان، ۱۴۷/۲). نیز، به این پرداخته‌اند که آیا حکم استحباب غسل - که تنها برای برخی گونه‌های خاص نماز حاجت ذکر شده است - شامل گونه‌های دیگر نیز می‌شود یا نه (خوانساری، ۴۵/۱). رکن دوم منسک یعنی نماز نیز مورد توجه فقیهان بوده است. گرچه برخی فقیهان عامه، به جماعت خواندن انواعی از نمازهای مستحبی را جایز شمرده‌اند، در خصوص نماز حاجت، به فتوای بیشتر فقیهان مسلمان، اقامه فُرادی^۱ شرط صحت آن است؛ جز شافعیان که چنین نمازی را صحیح و البته فاقد اجر نماز جماعت می‌دانند (نک: نووی، *المجموع*، ۵۵). از دیگر بحث‌های فقهی مرتبط با این منسک، فروع مطرح در باره نیت نماز است. گاه از این بحث می‌شود که گزاردن نماز به قصد حاجت‌روایی، منافی با قصد قربت - شرط صحت عموم عبادات - نیست (آقارضا همدانی، ۱۰۳؛ قس: انصاری، ۴۸/۲)؛ یا در این باره که هر گاه کسی نماز حاجت را در طلب معاصی به‌جای آورد، اصل نماز باطل خواهد بود (نراقی، ۵۲-۵۳). وجوه تمایز نماز حاجت از نمازهای واجب، موضوع بحث دیگر است؛ مثلاً حکم قرائت بخشی از

یک سوره قرآن در آن به جای کل سوره (صاحب جواهر، ۱۷۸/۱۲)، یا مخالفت برخی روایات نماز حاجت با حکم عام کراهیت قرائت قرآن در رکوع و سجود نماز (ابن بابویه، *الخصال*، ۳۵۸؛ حر عاملی، ۲۴۷/۶). فقیهان در این باره نیز بحث کرده‌اند که اگر در میانه حاجت فرد روا شد، با توجه به ناممکن بودن ادامه منسک با نیت پیشین و باطل شدن نیت، ادامه آن منسک چه حکمی دارد (کاشف الغطاء، ۲۶۱/۱)؛ و از این رو گفته‌اند که بعد از نماز استسقا، اگر سیل به راه افتاد، گزاردن نماز برای بند آمدن باران بدعت است، مگر آنکه نماز حاجت بخوانند (شهید اول، ۱۲۵).

تنوع روایات نماز حاجت، بدان انجامیده است که برخی محدثان، آثاری مستقل را به گردآوری این روایات و داوری درباره آن اختصاص دهند. از جمله، می‌توان به کتاب *صلاة الحوائج*، تألیف محمد بن مسعود عیاشی (نجاشی، ۳۵۲؛ قس: ابن ندیم، ۲۴۵-۲۴۶)، و *صلاة الحاجات*، تألیف محمد بن بابویه (ابن شهر آشوب، ۱۴۶-۱۴۷) اشاره کرد. گذشته از این، گاه ادعیه و آداب نماز حاجت چونان آدابی شایان فهم عمیق، در برخی آثار موضوع تفسیر و بحث قرار گرفته‌اند. برای نمونه، می‌توان به بخشهایی از *العهد المحمدیة شعرانی* (۱۱۰-۱۱۱) اشاره کرد. به همین ترتیب، مطالعه اصالت روایات مرتبط با این منسک، مورد توجه عالمان حدیث بوده است (برای نمونه، نک: ذهبی، ۳۶۰/۵؛ فتنی، ۴۱-۴۳، ۵۰-۵۱).

ب) پرسشهای اصلی

همچنان که گفته شد، در روایات مختلف، گونه‌های متنوعی از نماز حاجت، در انتساب به پیامبر(ص) و دیگر بزرگان دین همچون ائمه شیعه(ع) یا صحابه و تابعین شناسانده شده است. کثرت گونه‌های نماز حاجت چنان است که گاه انواع آن را برون از شمار (شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۱۸۴/۳)، و علم به اشکال مختلف و تحلیل روایاتش را تخصصی فرعی در علم حدیث دانسته‌اند (حاجی خلیفه، ۱۷/۱). این میان، گونه‌های منسک نزد شیعیان، تنوع بیشتر دارد. منشأ این کثرت، روایات مختلف است

(صاحب جواهر، ۱۷۶/۱۲). می‌توان ۱۳۰ گونه آن را در منابع روایی شیعه سراغ گرفت، حال آنکه در منابع روایی عامه، تنها حدود ۵ گونه مشهور، و در کل حدود ۳۰ روایت مرتبط با نماز حاجت مشاهده می‌شود. این همیشه به معنای رایج نبودن نماز حاجت میان عامه نیست؛ چرا که برخی محدثان عامی گزاردن نماز حاجات بر پایه آداب عرفی و رایج در میان عموم، و فاقد مستند روایی مقبول عموم را بی‌اشکال دانسته، و با نظر به استحباب اصل نماز تطوع، در گزاردن نماز حاجات یاد شده در روایات ضعیف نیز عیبی ندیده‌اند (ابن قدامه، ۷۴۲/۱).

رویارویی با روایات نماز حاجت متنوع است، از طرد و تضعیف یکباره همه آنها (نک: فتاوی‌اللجنة، شماره ۴۱۹۳)، تا پذیرش مشروعیتشان، حتی اگر ماثور نباشند (نک: سطور پیشین). به هر روی، نمونه‌های اندکی از مطالعه انتقادی این قبیل روایات مشاهده می‌شود. تا کنون کمتر کوششی برای شناخت و دسته‌بندی گونه‌های مختلف نماز حاجت، و مطالعه تاریخ رواج هر یک صورت گرفته است. این مطالعه بنا دارد راهی برای پاسخ گفتن بدین پرسشها بیابد:

۱. گونه‌های مختلف نماز حاجت، چه شباهتها و تمایزاتی با هم دارند؟
۲. بر پایه کدام شاخصه‌ها می‌توان گونه‌های مختلف نماز حاجت را دسته‌بندی کرد؟
۳. آیا می‌توان میان شاخصه‌های هر گونه و تاریخ رواج آن پیوندی جست؟

آداب نماز حاجت در روایات متنوع

گرچه به‌طور کلی گزاردن چند رکعت نماز و طلب حاجتی ساده و بی‌تکلف نیز به‌تنهایی کافی دانسته می‌شود (کلینی، ۴۷۸/۳ شماره ۵، ۴۷۹ شماره ۹، ۱۰)، معمولاً آداب مفصلی برای نماز حاجت آورده‌اند. حتی در یک مورد، از نماز حاجتی ویژه زنان با آدابی متفاوت یاد شده است (ابن بابویه، *الخصال*، ۵۸۶). با وجود تنوع این آداب در گونه‌های مختلف، می‌توان آنها را عبارت از رفتارهایی مقدماتی، نماز، دعا و عباداتی پایانی دانست.

الف) مقدمات

رفتارهای مقدماتی نوعاً آدابی برای آماده‌سازی، و خود از دو سنخند. یک دسته نوظف‌هایی شرعی همچون غسل (ابوالصلاح حلبی، ۱۳۵) و وضو (ترمذی، ۲۹۷/۱ - ۲۹۸) هستند. اهمیت نظافت پیش از عمل تا بدانجاست که حتی^۱ در برخی نماز حاجتها که سخن از غسل نرفته، تأکید بر «نیکو وضو ساختن»، چشمگیر است (همان). گاه استحباب نظافت را به ضرورت پاکیزگی در هنگام روی گرداندن به درگاه خدا تعلیل کرده‌اند (علامه حلّی، *تذکرة الفقهاء*، ۱۴۶/۲). دسته دوم از رفتارهای مقدماتی، عبادی صرفند. مهم‌ترین و مشهورترین این رفتارها در اشکال مختلف نماز حاجت، چند روز روزه گرفتن است. در مشهورترین نقل، حداقل سه روز پی در پی باید روزه گرفت (ابن براج، ۱۵۰/۱). از آنجا که در آخرین روز صیام، نماز حاجت خوانده می‌شود، گفته‌اند بهتر است چهارشنبه، پنج‌شنبه، و جمعه روزه بگیرند (کلینی، ۴۷۷/۳)؛ آن سان که اقامه نماز در جمعه روی دهد (*فقه الرضا*، ۱۵۱)، که زمان استجاب دعاست (مجلسی، ۳۱۲/۸۸). عبادت مقدماتی دیگر، صدقه است (ابن بابویه، *من لا یحضر الفقیه*، ۵۵۸/۱). گاه برای آن مقادیری نیز مشخص کرده‌اند (ابن طاووس، *المجتبی*، ۵۳؛ یحیی بن سعید، *نزهة الناظر*، ۵۱؛ علامه حلّی، همان، ۲/۲۹۳). گفتن برخی اذکار، و استغفار از گناهان هم در طول این دوره آمادگی توصیه می‌شود (مجلسی، ۴۲۵/۹۷). استغفار از گناهان آن قدر مهم است که برای برطرف شدن گناهان پیش از نماز حاجت، آدابی چون به‌جای آوردن نماز جعفر طیار هم سفارش کرده‌اند (شعرانی، ۱۱۰ «صلاة التسبیح»). چنین رفتاری در این باور ریشه دارد که گناهان فرد، مهم‌ترین سبب منع حاجات وی هستند (مفید، *المقنعه*، ۲۲۳؛ نیز شعرانی، همان).

ب) اقامه نماز

مرحله دوم منسک، برپاداشتن دو (نووی، *روضه الطالبین*، ۱/ ۴۳۶) تا چهار رکعت نماز است (ابن ابی دنیا، ۲۴؛ کلینی، ۴۷۸/۳). در روایاتی حتی دوازده رکعت نیز تجویز

شده (عراقی، ۱۶۰/۱)، و تنها در یک مورد استثنایی، از به جا آوردن منسک بدون نماز مستحبی، و با اکتفا به نماز جمعه سخن رفته است (طوسی، *مصباح المتجّد*، ۳۴۱؛ مجلسی، ۴۷/۸۷). گاه نمازها شبیه نمازهای روزانه (کلینی، ۴۷۶/۳)، و گاه نیز متمایز در آداب هستند. برای نمونه، در برخی انواع این نمازها از قرائت قرآن در رکوع و سجود سخن رفته (*فقه الرضا*، ۱۵۱)، که در نمازهای روزانه مکروه است؛ و در برخی هم از خواندن کمتر یا بیشتر از یک سوره (غزالی، *سر العالمین*، ۵۹؛ طبرسی، ۳۲۶)، که بر پایه برخی مذاهب فقهی به بطلان نمازهای روزانه می‌انجامد.

آداب یاد شده برای این نماز، بسیار است. در برخی روایات، از برهنه کردن زانوان (کلینی، ۴۷۷/۳)، چهره به خاک مالیدن (ابن طاووس، *جمال الأسبوع*، ۲۱۴)، یا کارهایی از این قبیل برای نشان دادن خضوع و خشوع خویش در درگاه الهی سخن می‌رود. آرایش ظاهری بدن هم شایان توجه است. گاه گفته‌اند که پیش از نماز باید نظافت کرد و برای خوشبویی گل خَطَمی به سر مالید (ابن طاووس، همان). مسواک زدن دندانها و شانه کشیدن گیسوان را هم گاه نیکو شمرده‌اند (رافعی، ۲۲/۴). در بسیاری اشکال نماز، تنی آراسته با لباس نو (ابن بابویه، همان، ۵۵۶/۱)، یا پاکیزه (کلینی، ۴۷۷/۳) یا خوشبو با عطر (ابن طاووس، همان)، ضروری دانسته شده است، و در برخی موارد نیز به عکس، از پوشیدن لباسی خشن و تن‌آزار سخن می‌رود (کلینی، ۴۸۰/۳). ادب دیگر، گریه، یا تظاهر به آن است (همو، ۴۷۶/۳).

اذکار مختلف و سوره‌های قرآن، و به‌ویژه تکرار فراوان آنها در این نماز جایگاهی خاص و کاملاً متفاوت با نمازهای روزانه دارد. در بیشتر انواع آن سوره توحید دارای نقشی محوری است و در اشکال مختلف منسک، بر ضرورت تکرار آن گاه از ده بار تا هزار بار تأکید می‌رود (برای نمونه، نک: کلینی، ۴۷۷/۳؛ *فقه الرضا*، ۱۵۱). کمتر نوعی از نماز حاجت را می‌توان سراغ داد که در آن خواندن این سوره جایگاهی بنیادین نداشته باشد. این جایگاه محوری برای سوره توحید را گاه بدان تعلیل کرده‌اند (ابن بابویه،

همان، ۵۶۲/۱) که این سوره، بر پایه برخی روایات (نک: احمد بن حنبل، ۱۲۲/۴)، «ثلث قرآن است». نیز، گاه بر قرائت سوره کافرون (فقه الرضا، ۱۵۱) و گاه سوره‌های قدر (طوسی، مصباح المتعجد، ۲۵۸)، مُعوذتین (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۹۹/۱)، و گاه سوره انعام (ابن طاووس، المجتبی، ۱۰۵) هم تأکید می‌رود. برخی ادعیه قرآنی برای خواندن در بخشهای مختلف نماز چون قیام و قنوتش مطلوب دانسته شده‌اند (برای نمونه، نک: طبرسی، ۳۳۴).

مکان پیشنهادی برای برپایی نماز در روایات مختلف، متفاوت است. تنها موارد محدودی از آن به مکان خاص مقید نیستند (صنعانی، ۴۹/۳). گاه نیز تنها سفارشی کلی رسیده است که فرد برای نماز جایی برود که دیده نشود (کلینی، ۴۷۷/۳). گذشته از این موارد خاص، در بسیاری روایات، مکانی هم برای اقامه نماز توصیه می‌شود. این مکانها بس متنوعند و طیف وسیعی را در بر می‌گیرند: گاه گوشه‌ای خاص از منزل که در آن عبادت می‌کند (کلینی، ۴۸۰/۳)، گاه در خانه (همو، ۴۷۹/۳)، و مثلاً بلندترین اتاق منزل (مفید، المقنعة، ۲۲۰)، گاه بام (ابن بابویه، همان، ۵۵۶/۱) یا بیابان (شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ۳۳۰) و مکانهای غیر مسقف (ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۲۱۰)، و گاه نیز اماکن مقدس همچون مسجد (کلینی، ۴۷۵/۳) برای نماز توصیه شده‌اند. از میان مساجد نیز اقامه منسک در برخی، از فضیلت بیشتر برخوردار است؛ که به طور خاص می‌توان به میان قبر و منبر پیامبر(ص) در مسجد مدینه (همو، ۴۷۳/۳)، یا مسجد جامع کوفه (حر عاملی، ۲۶۵/۵)، یا مسجد زید بن صوحان این شهر (مجلسی، ۴۲۵/۹۷) اشاره کرد. زمان مناسب نماز نیز در روایات، متنوع است. در برخی موارد، اقامه آن هیچ زمان خاصی ندارد، یا منوط به رویداد حاجت و پیشامد موقعیت است (ابن ماجه، ۴۴۱/۱). کثرت این قبیل انواع چنان است که گاه نماز حاجت را به طور کلی جزو نوافل غیر مقید به زمان طبقه‌بندی کرده‌اند (محقق حلی، ۳۷۴/۲). با این حال، انواع نماز حاجت مقید به زمان هم فراوان است. برخی به وقت ظهر شرعی (کلینی، ۴۷۷/۳) یا نیمه شب

(طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۱۷/۱) مقید شده‌اند. نمونه‌هایی نیز به روزی خاص از هفته، به‌ویژه بعد از ظهر پنج‌شنبه (همو، مصباح المتعجد، ۲۵۸)، تا ظهر جمعه (فقه الرضا، ۱۵۱)، شب شنبه (ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۱۱۱)، یا شب سه‌شنبه (غزالی، احیاء علوم‌الدین، ۱۹۹/۱) مقیدند. برخی برای زمانهایی کمیاب‌تر در سال، مثل شب عید اضحی (ابن طاووس، همان، ۸۹) و مانند آن تجویز شده‌اند. برخی نیز بخشی از یک برنامه زیارتی هستند و در اماکن مقدس در ضمن عمل زیارت به جا آورده می‌شوند (مجلسی، ۴۲۵/۹۷).

پ) دعا

با پایان یافتن نماز، رکن سوم این منسک، با تفاوت‌هایی جزئی در گونه‌های مختلف آغاز می‌گردد: دعایی برای طلب حاجت. گرچه دعایی ساده و برآمده از دل خود دعاگر نیز کافی دانسته می‌شود (صنعانی، ۴۹/۳)، آموزشهای متنوعی نیز در این باره رسیده است. ادعیه منسک، معمولاً دربردارنده چهار مرحله اصلیند: مدح و ثنای خداوند، توسل، شکایت و عرض حال، و به زبان آوردن حاجت.

مدح و ثنای خدا در برخی متون بسیار مختصر، ساده و بی‌تکلف، و محدود به اعتراف به جایگاه خدا در هستی است (ابن ماجه، ۴۴۰/۱؛ کلینی، ۴۷۵/۳). با این حال، گاه این مرحله از منسک، به طول و تفصیل می‌گراید، آن سان که در برخی روایات، یادکردی مفصل از اسمای حسناى الهی (کفعمی، البلد الامین، ۳۲۳-۳۲۴)، یا نعمتهای او بر بندگان شایسته‌اش (طبرسی، ۳۴۱ «هازم الاحزاب...») صورت می‌پذیرد.

مرحله دوم یادکرد پیامبر (ص) و امامان، به‌ویژه امام عصر (ع)، سلام و درود بر آنها، و توسل جستن به ایشان است. در عموم گونه‌ها، توسل به پیامبر (ص) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (ابن ماجه، ۴۴۱/۱). اهمیت این توسل تا بدانجاست که گاه از کل نماز به جای آورده چون هدیه‌ای به پیامبر (ص) یاد می‌شود (کلینی، ۴۷۶/۳؛ شعرانی، ۱۱۰).

سومین مرحله دعا، شکوی و عرض حال به درگاه الهی است. این شکوی گاه با نظر به گناهان فرد و اعترافی بدانها (طوسی، *مصباح المتهجد*، ۴۲۴)، و گاه نیز گلایه‌ای از مشکلات زندگی به خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است (کلینی، ۴۷۶/۳-۴۷۷).

آخرین مرحله از این رکن، به زبان آوردن حاجت است. گرچه گفته‌اند باید بر خواسته خویش در این مقام پافشاری کرد (همو، ۴۷۷/۳ «تَلِحُ فِيمَا أُرِدْتُ»)، یادکرد حاجات، گاه با تصریح بدین همراه می‌گردد که اگر خداوند حاجت را هم برآورده نکند، به اقتضای حکمت اوست و از بی‌عدالتی و ظلم نیست (ابن طاووس، *جمال الاسبوع*، ۲۰۹). در طلب حاجات نیز توجه به جایگاه پیامبر (ص) و علی (ع) چشمگیر است (برای نمونه، نک: ابن ماجه، ۴۱۱/۱؛ کلینی، ۴۷۶/۳، ۴۷۸)؛ آن سان که گاه از برخی اشکال نماز حاجت، چونان پناه‌جویی به پیامبر (ص) یاد می‌شود (محقق حلّی، ۳۵۹/۱). حتی در برخی ادعیه، شیوه بیان گوینده چنان است که گویی حاجت خود را مستقیم با خود پیامبر (ص) و علی (ع) در میان می‌نهد (طبرسی، ۳۳۱؛ مجلسی، ۳۷/۸۷). بر این معنا نیز تأکید می‌شود که در بیان حاجات باید خواسته‌های معنوی را به ترتیب اهمیت، و از جمله نیازهای اهل بیت (ع) را در نظر داشت (ابن طاووس، *جمال الاسبوع*، ۲۰۸-۲۰۷). تأکید بر حاجات اهل بیت (ع) گاه در متن برخی ادعیه نماز حاجت نیز دیده می‌شود (طوسی، *مصباح المتهجد*، ۳۴۴). در عمل هم این رفتار، ادبی رایج بوده است. برای نمونه، ابن طاووس به فرزندش وصیت می‌کند که در اقامه این منسک حاجات امام زمان (ع) را بر خویش مقدم بدارد (ابن طاووس، *کشف المحجّه*، ۱۵۲).

ادعیه مختلف نماز حاجت را می‌توان از انواع^۱ ادب دعایی جهان اسلام، و به‌ویژه مکتب تشیع دانست. برخی دعاهاى مذکور برای نماز حاجت، خود به تنهایی مشهور و دارای اهمیتند. از این قبیل می‌توان به برخی دعاهاى نماز حاجت اشاره کرد که در تعقیبات نماز هم کاربرد یافته‌اند؛ همچون دعای «یا من اظهر الجمیل» (حر عاملی،

1. literary genres.

۵۷/۸؛ قس: شیخ بهایی، ۱۴۷)، یا دعای «لا اله الا الله الحليم الكريم...» (نوی، *الاذکار*، ۱۸۴؛ قس: قمی، ذیل «تعقیب نماز ظهر»). برخی از این دعاها نیز بدان حد شهرت و رواج داشته‌اند که در مناسک دیگر به کار می‌روند. از جمله می‌توان به دعای رفع مصحف اشاره کرد، که افزون بر کاربردش در نماز حاجت (طبرسی، ۳۲۶)، بخشی از مراسم احیای شب قدر هم شده است (قمی، ضمن «اعمال مشترکه شب قدر»؛ نیز نک: مهروش، «تاریخ...»، ۱۴۸).

ادعیه مختلف نماز حاجت، با یک دیگر تمایزهایی در ظاهر و مضمون هم دارند. از نظر حجم، ادعیه متون کهن‌تر از سده ۴ ه. ق.، کوتاه‌ترند (برای نمونه‌هایی از ادعیه طولانی نماز حاجت، نک: مجلسی، ۳۷/۸۷-۳۹). از نظر مضمون هم، ادعیه متقدم بسیار به دعای بدوی نزدیک‌تر و نفع‌طلبانه‌اند (برای این اصطلاح، نک: هایلر، ۵، ۷۴، ۷۹)؛ بدین معنا که در آنها بی‌هیچ تکلف، خواسته‌هایی فردی طلب شده است. به‌عکس در ادعیه متأخرتر، توجه به نیازهای اجتماعی و فرافردی بیشتر است. ادعیه متأخر، گاه ترکیبی از چند متن قدیم دعا هستند. آنها دربردارنده تعالیم عقیدتی، و به «ادبیات آموزشی» نزدیک‌ترند (برای اصطلاح، نک: مهروش، *گستره...*، ۲۰۶). در ادعیه متأخر، یادکرد نامهای مختلف خدا نیز بیشتر دیده می‌شود (برای نمونه، نک: ابن طاووس، *جمال الاسبوع*، ۲۱۳؛ کفعمی، همان).

ت) آداب تکمیلی

در برخی روایات، از آدابی تکمیلی نیز یاد شده است. یک جا گفته‌اند بعد از دعا قسم یاد کند که چون حاجت‌روا شود، به انجام کاری خیر مبادرت خواهد کرد (طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۱۸۲/۳-۱۸۳). به جای آوردن نماز شکر هم پس از برآمدن حاجت مستحب است. این رفتار گرچه منسکی مستقل شناخته می‌شود، بر ضرورت اقامه آن ضمن آداب نماز حاجت نیز تأکید می‌رود (سلار، ۸۴).

گونه‌شناسی نماز حاجت

همچنان که گفته شد، می‌توان در روایات مختلف شیعه و عامه، حدود ۱۶۰ گونه نماز حاجت را سراغ داد. برای دسته‌بندی گونه‌ها، مهروش نخست مجموعه‌ای از این روایات را به ترتیب تاریخ تألیف اثر دربردارنده آنها، و به تفکیک آثار شیعه و عامه گردآورده است (نک: «انواع...»، سرتاسر مجموعه). در این گونه‌شناسی همواره به روایات مختلف نماز حاجت، بر پایه شماره یاد شده در مأخذ فوق اشاره خواهد شد. از یک نگاه کلان، می‌توان روایات مختلف نماز حاجت را بر پایه نقشمایه اصلی، میزان توجه به آداب، غایت اقامه منسک، و کارکرد آن به شش دسته متمایز تفکیک نمود. این گونه‌ها به ترتیب زیرند:

الف) گونه‌های بدوی

این گونه، ساده‌ترین شکل نماز حاجت، و خالی‌ترین نوع آن از آداب مختلف است. با نظر در روایات متضمن آن، واضح می‌شود که کارکرد اصلیش ترسیخ این باور در ذهن دعاگر است که «می‌توان با دعا کردن، حاجت گرفت». به نظر می‌رسد این گونه‌ها زمانی ترویج شده‌اند که هنوز در فرهنگ اسلامی، اصل رابطه میان یاد خدا (خواه به شکل نماز و خواه به صورتی دیگر) و استجاب دعا، محتاج تحکیم و تبیین بوده است و بزرگان دین، با ترویج آنها کوشیده‌اند به مردم بیاموزند خداوند به انسان چقدر نزدیک است و چگونه با رفتاری ساده، می‌توان با او ارتباط برقرار کرد. می‌توان اشکال متنوع این گونه را نیز به دو صنف متمایز تفکیک نمود:

۱) صنف بدوی تعامل‌گرا: در این قبیل، تکیه اصلی در آن بر اهمیت یاد خدا، و هدف اصلی، بیان تعامل خدا و عبد است. صرفاً در آنها تأکید شده است که «اگر دعا بخوانید، خدا شما را استجاب خواهد کرد». نقشمایه اصلی، رابطه یاد خدا و پاسخ گفتن خداست و بس. در این موارد اصلاً ذکری از دعا یا ادبی خاصی نیست؛ یا اگر هست، محور اصلی آداب نیست؛ اصل، رابطه با خدا و به درگاه او نیاز بردن است.

حضور نماز هم در این روایات، صرفاً چونان یکی از شیوه‌های ارتباط با خدا - و البته فرد اجلای آنها - است (برای نمونه، نک: همان، شماره ۱).

۲) صنف نمازگرا: در این قبیل موارد همانند گونه بدوی تعامل‌گرا، هنوز تأکید بر ارتباط با خدا به هر شکل ممکن جدی است. با این حال، منسک نماز چون «یک شیوه ارتباط بهتر و مؤثرتر» پیشنهاد می‌شود، ترویج می‌شود که نماز، به مثابه نوعی خاص از رابطه با خدا، برای حاجت‌خواهی نافع‌تر از دیگر شیوه‌های ارتباطی است. نقشمایه اصلی این روایات، معمولاً حاجت‌خواهی نیست. حاجت‌روایی چونان سندی حاکی از فضل این شیوه ارتباط با خدا معرفی می‌شود. سایر آداب یا اصلاً وجود ندارند، یا حضورشان کاملاً جانبی است. دعایی هم اگر هست، بسیار مختصر است (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۴۲، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۴، ۱۳۴).

ب) گونه‌های حاجت‌گرا

در برخی گونه‌ها، حاجت‌روایی چونان سندی دال بر ارزش ارتباط با خدا از طریق نماز مطرح نیست؛ که به عکس، نماز همچون روشی برای دست‌یابی به حاجت شناخته می‌شود. گویی در فضایی ترویج شده‌اند که باور به امکان ارتباط فردی با خدا، و به‌ویژه از طریق نماز، بدیهی است. بدین سان، گونه‌هایی رواج می‌یابند که در آنها هدف اصلی، طلب حاجات مختلف زندگی است و در بیشتر اشکال آن، معمولاً اجابت وعده شده، فوری تلقی می‌شود. البته این روایات، از هیچ حاجت مشخصی جداگانه سخن نمی‌گویند و منسک را برای طلب هر گونه حاجتی مؤثر می‌شناسانند. مناسک ذیل این گونه را نیز می‌توان به سه گونه فرعی رده‌بندی کرد:

۱) صنف آداب‌گرای ساده: در این نوع، نمازی خوانده، و معمولاً به همراهش، دعایی مختصر و دربردارنده عموم حاجات بیان می‌شود؛ از همانها که گاه «جوامع‌الدعا» نام گرفته‌اند. نقشمایه اصلی این صنف، بحث بر سر امکان اجابت خدا نیست؛ که مسلم انگاشته شده است؛ بلکه مسئله آن است که با کدام آداب، می‌توان اجابت الهی را

تضمین کرد. به عبارت بهتر، نقشمایه اصلی، این است که با هر گاه نماز با آداب صحیح آن (مثل وضو) به جای آورده شود، می توان از خدا پاسخ شنید. گویی در فضایی ترویج شده اند که در عین بدهت رابطه میان نماز و اجابت، آداب صحیح و کامل نماز مورد تردید و تأمل بوده اند. در این گونه، آدابی مختصر و ساده دیده می شود: ساده ترین شستشو یعنی وضو، دو رکعت نماز ساده، بدون هیچ کار خاصی، و تنها گاه تأکیدی بر نیکو کردن رکوع، یا دیگر اعمال عبادی نماز. گاهی حتی نمازی خاص نیز ملاک نیست. هدف اصلی بیان این است که با نماز درست و مؤدبانه خواندن، حاجت فرد روا می شود. حتی گاه گفته اند اگر نماز واجبش را همچنین با آداب و خشوع بخواند، حاجتش روا می شود. حاجت خواهی نیز بعد از دعایی مختصر و جامع، یا بعد از توسلی بسیار ساده و نفع طلبانه روی می دهد و حاجت طلب شده، معمولاً خواسته ای کاملاً مشخص از نیازمندیهای روزمره است. دعاها کاملاً بدوی و خالی از ظرافتهای متمدنانه، مجامله با قدسیان، یا سخن پردازی گسترده است. اجابت وعده شده نیز، بلافاصله نیست؛ «معجلاًً أو مؤخرأً» است و گاهی اصلاً تضمین نمی شود (برای نمونه ها، نک: همان، شماره ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۴۱، ۴۷، ۴۹، ۵۲، ۸۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۳۶، ۱۳۷).

۲) صنف ثنا محور: تا حدودی آداب متکامل تر و پیچیده تر دارد. در آن افزون بر مناسک ساده پیش گفته و حاجت خواهی، بدین معنا توجه رفته است که یادکرد خدا با نامهای مختلف و صفات جلال و جمالش می تواند موجب جلب نظر الهی شود. گویا دیگر دغدغه مروجانش این نیست که برای نماز مقرون به اجابت، وضو، رکوع، قنوت، و... ضروری است. مسئله آن است که برای کمال رابطه با خدا، افزون بر این آداب ابتدایی در نماز، دعایی حاوی ثنای خداوند نیز لازم است. بدین سان در دعای همراه با منسک، همواره نامها یا صفات الهی برشمرده، و گاه خدا به نامها یا صفاتش قسم داده می شود؛ نامهایی از اسماء حسنا، او، همچون ماجد، واجد، کریم... به همین ترتیب، گاه از اوصاف الهی یاد می شود؛ صفاتی چون صاحب حول و قوه ای فراتر از همه بودن،

مالک همه خیرات بودن، جود، کرم، و... در برخی نمونه‌ها، اذکاری خاص برای رفع حاجت نافع دانسته می‌شوند، مثل تسبیحات اربعه. در برخی نمونه‌هایش نیز توسل به پیامبر(ص) به شکلی ساده دیده می‌شود. مضمون مشترک در همه آنها آموزش این نکته است که یادکرد اسماء و اوصاف مختلف الهی موجب استجاب است (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۴، ۵، ۱۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۳، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۰).

۳) صنف توسل محور: در این گونه نیز، مثل هر دو صنف پیش‌گفته، هدف طلب حاجتی از حوائج است؛ بدون آنکه در روایت، منسک تجویز شده به حاجت خاصی ارتباط یابد. در این صنف نیز باور به رابطه میان نماز و استجاب بدیهی فرض می‌شود. حتی در عین آنکه کمتر نامهای مختلف الهی در ادعیه آن یاد می‌شوند، به نظر می‌رسد ادعیه‌اش متضمن این باورند که با یادکرد نامهای قدسیان، می‌توان حاجت خواست. نقشمایه اصلی در آن، توسل به بزرگان دین به‌ویژه پیامبر(ص) است. رواج آن می‌تواند مربوط به دورانی در نظر گرفته شود که با تحکیم باور به امکان حاجت‌خواهی از طریق مناسکی ساده، و باور به سودبخشی نامهای الهی، توسل به پیامبر(ص) و در میان آوردن نامش، چونان کاری مؤثرتر از یادکرد مستقیم نامهای خدا رواج یافته است. در نمونه‌های یاد شده در آثار متأخرتر، توسل به علی(ع)، زهرا(س)، پنج تن(ع)، چهارده معصوم(ع)، جبرئیل، اسم اعظم الهی، و... نیز هست. گاه در ضمن آداب آن اهدای نماز به پیامبر(ص)، یا یاد کردن همه امامان(ع) توصیه شده است. گویی نماز حاجت توسل محور، نوعی نماز حاجت ثنامحور است که به جای نام‌بری از خدا، نام‌بری از قدسیان را ترویج می‌کند و ثنای الهی در آن با یادکرد ائمه(ع) همچون اسماء حسنی الهی صورت می‌پذیرد (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۳۷، ۶۰، ۶۹، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۱۱۳، ۱۲۷).

پ) گونه‌های کمیت‌گرا

در حجم قابل توجهی از روایات نماز حاجت، می‌توان مشاهده کرد که بر خلاف اصناف پیشین، رابطه میان نماز، دعا، توسل، و آداب خاص با اجابت، بدیهی فرض شده است و مثلاً، در آنها دیگر بحثی بر سر این نیست که برای نماز باید وضوی نیکو گرفت. بدین سان، سنخی جدید را می‌توان در حاجت‌خواهیها سراغ داد که در آن دیگر سخن از ترویج باور به «امکان حاجت‌گرفتن با تکیه بر اعمالی ساده»، یا با «یادکرد نامهای الهی»، یا با «یادکرد نامهای جایگزین» نیست؛ بلکه به افراد می‌آموزند که در تکرار اذکار، اسراری هست و به اجابت منتهی می‌شود. گویی در فضایی ترویج شده‌اند که باور عموم مردم به تأثیر روشهای پیشین معترف، و در عین حال گراینده به شیوه‌هایی با اطمینان بیشتر به اثربخشی است. تعداد قابل توجهی از روایات این گونه، برای اجابت حاجاتی مشخص و کاملاً ویژه توصیه شده‌اند. می‌توان انتظار داشت رواج آنها در فضایی روی داده باشد که عموم مردم در عین باور به اثربخشی روشهای پیشین، به تناسب طلب حاجات خاص، خود را محتاج آدابی اثربخش‌تر نیز حس کرده باشند.

ویژگی این قبیل روایات، تکیه آنها بر تکرار کمیتی خاص از اعمال و اوراد و آداب است. نیز همچنان که گفته شد، لزوماً این ادعیه - مانند اصناف پیشین - برای طلب حاجتی نامتعیین توصیه نشده‌اند؛ بلکه بیشتر برای حاجاتی خاص و مشخص تجویز شده‌اند. نماز حاجتهای کمیت‌گرا را نیز می‌توان به طور کلی دو دسته دانست.

۱) صنف کمیت‌گرای ساده: شاخصه روایات این صنف آن است که در آنها برای طلب حاجتی نامتعیین، مناسکی ساده همچون دو رکعت نماز پیشنهاد می‌شود؛ ولی در عین ساده بودن منسک، در آن بر تکرار فراوان کاری، یا فراهم کردن کمیت خاصی از آداب و اعمال، تأکید می‌رود. مثلاً گفته می‌شود که در رکعت اول، هزار بار سوره توحید بخوانند؛ یا مثلاً بر زمان، مکان، و عمل خاص تأکید می‌کنند؛ زمانهایی چون آخر شب، ضمن سجده نماز، بعد دو رکعت نماز؛ یا اعمالی چون وضو بعد از نوشیدن آب

ظرفی.... نقشمایه اصلیشان این است که با پابندی به کمیتی خاص از اعمال، می‌توان حاجت گرفت. معمولاً حاجت گرفتن هم تضمین می‌شود (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۳۸، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۷۷، ۸۹ الف، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۳۵).

۲) صنف کمیت‌گرای پیچیده: در این صنف باز هدف اصلی روا شدن حاجتی از طریق تکرار فراوان آداب و اعمال است؛ ولی توجه به کمیت اعمال و آداب در آن، و همچنین تعداد مناسب بیشتر و متنوع‌تر است. ادعیه آن نیز از یک دعای حاجت‌خواهی ساده خیلی طولانی‌تر است. گویی در آنها افزون بر ضرورت اقامه نماز با آداب خاص، و ضرورت اذکاری با کمیت بالا، برای حاجت گرفتن دعایی طولانی و با کمیت بالایی از نامهای قدسی ضروری شناخته می‌شود. نیز، معمولاً در آن افزون بر کثرت مناسب، اصرار بر طلب را نیز توصیه کرده‌اند. نیز، دیگر حاجت هرگز امری نامتعیین نیست؛ بلکه به‌عکس این صنف در موارد وجود حاجاتی کاملاً مشخص توصیه شده است. در این قبیل موارد بر کمیتها در اعمال مختلف، تکیه فراوان می‌شود؛ همچون تکیه بر زمان خاص: نیمه شب، بعد از دو ثلث آن، روز پنج‌شنبه...؛ یا تکیه بر آداب پیشینی مثل غسل و صدقه، هر یک در زمانی مشخص؛ یا آداب ضمن نماز، مثل ذکر خاص برای سجده دوم از رکعت دوم.... تکیه این صنف بر آدابی چون غسل و وضو، از آن رو نیست که بنا دارد رابطه میان آنها را با حاجت‌روایی در ذهن عموم ترسیخ کند، بلکه از آن روست که می‌خواهد میان استجاب با کمیت قابل توجهی از اعمال خیر، پیوند برقرار سازد (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۳۹، ۴۰، ۴۴، ۵۱، ۵۶، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۴، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹).

ت) گونه سعادتمندانانه

با نزدیک شدن به سده‌های میانه هجری، به تدریج در آداب مذکور برای نماز حاجت پدیده جدیدی مشاهده می‌شود. گویی تکیه مردمان در نیازخواهیها، از توجه به

نفع‌جویی فردی - که متضمن دعا برای دریافت منفعتی مشخص و در ارتباط با گرفتاریهای روزمره بود - به دعاهای متکامل‌تر با هدف دستیابی به سعادت بلندمدت اخروی معطوف می‌گردد. در آثار این دوره مناسکی دیده می‌شوند که در آنها اصلاً حاجت دنیوی مطرح نیست، طلب سعادت مطرح است. نیز، عمده این مناسک برای وقتی خاص، و معمولاً روزی از هفته پیشنهاد شده‌اند. این گونه خود بر دو صنف است: قرآن محور، و ترکیبی.

(۱) صنف قرآن محور: شاخصه صنف قرآن محور از گونه سعادت‌خواهانه، توجه به جایگاه طیف متنوع‌تری از سوره‌ها و آیات قرآن در نماز حاجت، به همراه یادکرد منسک برای روزهایی خاص (معمولاً از روزهای هفته) است. البته توجه به جایگاه برخی سوره‌های قرآن (مثل سوره توحید) در نماز حاجت، قدمت زیادی دارد؛ همچنان که برخی آیات و سوره‌ها نیز مثل معوذتین، آیه‌الکرسی و... در گونه‌های کمیت‌گرا هم دیده می‌شود. باری، وجه تمایز صنف قرآن محور، توجه به طیف متنوع‌تری از آیات و سوره‌ها، مثل سوره حشر، انعام، تکوین، زلزله و... است، که در انواع پیشین سابقه نداشت. پیش از این اگر خواندن سوره توحید یا آیه‌الکرسی و از این قبیل در نماز توصیه می‌شد، بیشتر به سبب یادکرد اسماء و صفات الهی در آنها، و به سبب باور بدین بود که یادکرد اسماء الهی موجب حاجت‌روایی است. باری، در این صنف اخیر، آیات قرآنی نه از آن رو که حاوی اسماء حسنایند، که به سبب تأثیر خود آنها - چونان وحی الهی - برای رساندن فرد به سعادت خوانده می‌شوند.

در این روایات، بر خلاف بسیاری گونه‌های پیشین، بحثی بر ضرورت وضو گرفتن، یا آداب مقدماتی دیگر دیده نمی‌شود؛ گویا رواج آن روایات مربوط به دورانی بود که برای مسلمانان، رابطه وضو و نماز، هنوز محتاج تبیین به نظر می‌رسید و اکنون دیگر ضرورت ندارد. در این صنف، نماز کاملاً خاص، و با نمازهای ساده قبلی متفاوت است. در آن بر تکرار آیه یا سوره‌ای از قرآن تکیه می‌شود. لازمه رواج یافتن این صنف

منسک، رواج باور به خواص اسرارآمیز آیات مختلف قرآن است. در اصناف پیشین، همواره بحث بر سر این بود که فرد، چگونه حاجت خود را بگیرد. اکنون در این قبیل موارد، مسئله آن است که با اقامه این نماز، فرد چگونه سعادت خود را تضمین کند. در اینها هدف، رهیدن از آتش دوزخ، رسیدن به رضای الهی، و آرمانهایی از این دست است. از همین رو، استغفار نیز در این قبیل رفتارها به تناسب هدف (سعادت‌جویی) توصیه می‌شود (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۶، ۷، ۸، ۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۲۳، ۱۲۶).

۲) صنف ترکیبی: در این قبیل روایات نیز، هدف اصلی سعادت‌خواهی است و معمولاً هم برای زمانی خاصی توصیه می‌شود؛ آن سان که نشان می‌دهد هدف از این منسک، ترویج کار در زمانی خاص است. تمایز آن با نوع قبلی در کثرت آداب است. در آن بر حجم زیادی از آداب تأکید می‌شود، با طول و تفصیل و جزئیات بیشتر آداب. این آداب، شامل رفتارهای مقدماتی پیچیده (بیداری در نیمه شب، مسواک، وضو، شانه کردن مو)، نمازی کاملاً خاص (حمد و سوره‌ای خاص در هر رکعت، چه از لحاظ تکرار آیات و سوره، و چه از نظر سوره انتخابی)، دعایی خاص بعد از نماز، معمولاً دوباره نمازی مجدد با سوره‌هایی متفاوت، و دوباره دعایی خاص بعد از نماز دیگر، با صدای بلند است. اغلب ثوابهایی کمیت‌گرایانه و کاملاً خاص و انگیزش بخش برای خواننده نماز نیز یاد شده است. مثلاً، گفته‌اند با هر رکعت، ثواب ۷۰ رکعت می‌برد؛ خدا بین او و جهنم، شش خندق به عمق فاصله آسمان و زمین می‌کشد؛ همه موجودات از خدا می‌خواهند وی را از شر آنها حفظ کند، حتی آتش برای او دعا می‌کند (برای نمونه‌ها، نک: شماره ۱۱، ۹۵، ۹۶، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۵).

ث) گونه قرآن محور حاجت‌خواه

تعریف دقیق آن با نظر به جایگاه قرآن در آن ممکن است: دیگر قرآن برای سعادت اخروی خوانده نشده است؛ بلکه هدف از آن، خواندن قرآن برای حاجات

دنیوی است. این گونه، تمامی آداب گونه‌های پیشین را دارد و هدف از آن طلب حاجت به نحو مطلق است. می‌توان در آن تأکید بر زمان خاص، آداب اولیه، توسل، آیات و سوری خاص از قرآن را دید. شاخص آن این است که هدف آن دیگر تنها سعادت نیست، بلکه حاجت‌روایی است (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸).

ج) گونه تخصصی

معمولاً، هدف از آن، تکیه بر یافتن آداب مناسب جهت رسیدن به حاجتی کاملاً خاص و متفاوت با عموم حاجات است. راه یافتن روایات آن به مبحث نماز حاجت مربوط به دورانی است که خود نماز حاجت، چونان یک روش درخواست از خداوند نهادینه شده است؛ یعنی زمانی که اصل عمل نماز حاجت، رواجی عمومی و کامل یافت. این حاجت خاص می‌تواند رفع ناباروری، رفع ستم، ادای دین، سعادت‌مندی فرزند، آموزش پدر، یا هر چه از این دست باشد. معمولاً آداب در آن همانند نوع ترکیبی فراوان است. نیز، طیف وسیعی از رفتارها چون وضو، نماز به شکلی خاص، توسل، و دعا دیده می‌شود (برای نمونه‌ها، نک: همان، شماره ۱۵، ۷۰، ۷۱، ۸۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۹، و همه نمونه‌های از شماره ۱۴۰ به بعد).

نتیجه

مرور گونه‌های مختلف نماز حاجت، ما را با طیف گسترده‌ای از مناسک روبه‌رو کرد که برخی از آنها بسیار ساده، گاه بدون آداب بودند، و گاه آدابی بدوی داشتند؛ همچنان که در آن سوی طیف نیز مناسکی مشاهده شد که خود، آدابی مفصل با جزئیات پیچیده و تکرارهای نمادین و رازآلود را در برمی‌گرفت. کوشش برای دسته‌بندی مناسک بر پایه نقشمایه اصلی آنها نشان داد که میان این نقشمایه با نوع مناسک هر گونه، رابطه معناداری هست.

به وضوح با نظر به گونه‌های مختلف می‌توان دریافت کارکرد عمده هر یک از آنها، تحکیم منسکی دیگر بود. کارکرد اصلی گونه بدوی، ترسیخ این باور در ذهن دعاگر بود که «می‌توان با دعا کردن، حاجت گرفت». در گونه‌های حاجت‌گرا، با مفروض انگاشته شدن اصل امکان حاجت گرفتن با دعا، بر امکان حاجت گرفتن با پابندی به آدابی خاص تأکید می‌رفت. گونه‌های کمیت‌گرا - که ظاهراً متکامل‌تر به نظر می‌رسند - بحث از رابطه میان آداب و استجابات را مفروغ عنه و بدیهی جلوه می‌دادند و بدین سان، کارکرد ترویج کمیاتی گسترده‌تر، پیچیده‌تر و رازآلوده‌تر از اعمال عبادی را پی‌می‌گرفتند. نوع متکامل‌تر «سعادت خواهانه»، همین مناسک پیچیده را با پیش‌فرض «باور به تأثیر قرآن و خواص مرموز آن در استجابات» می‌آمیخت و مناسکی پدید می‌آورد که دیگر در آنها طلب حاجتی از نیازمندیهای روزمره مراد نبود. گونه‌ای دیگر نیز، که باز به ظاهر متکامل‌تر به نظر می‌رسد، همین «مناسک کهن آمیخته با آیات قرآنی» را دوباره در خدمت حاجت‌خواهی دنیوی می‌گرفت؛ و سرآخر گونه‌ای از نماز حاجت ملاحظه می‌شود که نه فقط امکان حاجت گرفتن با دعا، آداب، تکرار اوراد و اذکار، و آیات قرآن در آن مفروض و مفروغ عنه است، که با بدیهی شمردن ارزش و جایگاه خود نماز حاجت همچون منسکی مشروع و مُجَرَّب، اشکال متنوعی از آن را بر حسب نوع حاجت افراد مختلف عرضه می‌دارد.

اینکه آیا همه این گونه‌ها در یک زمان به فرهنگ اسلامی راه یافته‌اند، یا احیاناً برخی از آنها، حاصل تحولی زمانمند و روند تدریجی تکامل گونه‌هایی ساده‌تر بوده‌اند، پرسشی است که از دل این مطالعه برون می‌آید و کوشش برای یافتن پاسخ آن، افقی جدید فراروی پژوهش در تاریخ مناسک اسلامی است.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۹ ه. ق. / ۱۹۵۹ م.

- ابن ابی دنیا، عبدالله بن محمد؛ *الهواتف*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد؛ *المصنف*، به کوشش کمال یوسف حوت، ریاض، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد؛ *الکامل*، بیروت، ۱۳۸۶ ه.ق. / ۱۹۶۶ م.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ ه.ق. / ۱۳۶۲ ش.
- _____؛ *من لا یحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر؛ *المهذب*، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ *معالم العلماء*، نجف، ۱۳۸۰ ه.ق. / ۱۹۶۱ م.
- ابن طاووس، علی بن موسی؛ *جمال الاسبوع*، به کوشش جواد قیومی، قم، ۱۳۷۱ ش.
- _____؛ *المجتبی*، به کوشش صفاءالدین بصری، مشهد، ۱۴۱۳ ه.ق. / ۱۹۹۳ م.
- _____؛ *سعد السعود*، قم، ۱۳۶۳ ش.
- _____؛ *کشف المحجّة*، نجف، ۱۳۷۰ ه.ق. / ۱۹۵۰ م.
- ابن قدامه، عبدالرحمان بن محمد؛ *الشرح الكبير*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ *البدایة*، به کوشش علی شیری، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق. / ۱۹۸۸ م.
- ابن ماجه، محمد بن یزید؛ *السنن*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم؛ *الکافی*، به کوشش رضا استادی، اصفهان، ۱۴۰۳ ه.ق.
- احمد بن حنبل، احمد بن محمد؛ *المسند*، بیروت، دار صادر.
- امیر خسرو دهلوی، خسرو بن محمود؛ *دیوان اشعار*، به کوشش محمد روشن، تهران، نگاه.
- انصاری، مرتضیٰ بن محمد امین؛ *کتاب الطهارة*، قم، ۱۴۱۸ ه.ق.

- ترمذی، محمد بن عیسی؛ *السنن*، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق. / ۱۹۸۳ م.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ *کشف الظنون*، استانبول، ۱۹۴۱-۱۹۴۳ م.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*، قم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- حلی، حسن بن سلیمان؛ *المختصر*، به کوشش سید علی اشرف، قم، ۱۳۸۲ ش / ۱۴۲۴ هـ.ق.
- خوانساری، حسین بن جمال الدین؛ *مشارق الشموس*، چاپ سنگی، آل البیت، قم.
- ذهبی، محمد بن احمد؛ *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعیب ارنؤوط، بیروت، ۱۴۱۳ هـ.ق. / ۱۹۹۳ م.
- رافعی، عبدالکریم بن محمد؛ *التدوین*، به کوشش عزیزالله عطاردی، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف*، به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زیدی یمنی، حسین بن قاسم؛ *آداب العلماء والمتعلمین*، موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی *الوراق*، دسترسی در ۲۳/۸/۲۰۱۰ م.
- سلار دیلمی، ابویعلی بن عبدالعزیز؛ *المراسم*، به کوشش محسن حسینی امینی، معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت(ع).
- شعرانی، عبدالوهاب بن احمد؛ *العهود المحمدیه*، قاهره، ۱۳۹۳ هـ.ق. / ۱۹۷۳ م.
- شهید اول، محمد بن مکی؛ *البیان*، چاپ سنگی، ایران، ۱۳۲۲ هـ.ق.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین؛ *مفتاح الفلاح*، بیروت، اعلمی.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر؛ *جواهر الکلام*، به کوشش عباس قوچانی، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ق.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ *المصنف*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الاخلاق*، قم، ۱۳۹۲ هـ.ق. / ۱۹۷۲ م.

- طوسی، محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران، ۱۳۹۰ ه. ق.
- _____؛ **مصباح المتجهد**، بیروت، ۱۴۱۱ ه. ق. / ۱۹۹۱ م.
- طوسی، حسن بن علی؛ **مختصر الاحکام**، به کوشش انیس بن احمد اندونوسی، مدینه، ۱۴۱۵ ه. ق.
- عبید زاکانی، عبیدالله؛ **کلیات**، به کوشش محمد جعفر محبوب، نیویورک، ۱۹۹۹ م.
- عراقی، عبدالرحیم بن حسین؛ **المغنی**، به کوشش اشرف عبدالقصد، ریاض، ۱۴۱۵ ه. ق. / ۱۹۹۵ م.
- علامه حلی، حسن بن یوسف؛ **تذکرة الفقهاء**، قم، ۱۴۱۴ ه. ق.
- _____؛ **منتهی المطلب**، چاپ سنگی، ایران.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ **التفسیر**، تهران، اسلامیة.
- غزالی، محمد بن محمد؛ **احیاء علوم الدین**، دارالمعرفه، بیروت.
- _____؛ **سر العالمین**، پایگاه اطلاع رسانی الوراق، دسترسی در ۸/۲۷ / ۲۰۱۰ م.
- فاضل هندی، محمد بن حسن؛ **کشف اللثام**، قم، ۱۴۱۶ ه. ق.
- **فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء**، به کوشش احمد دویش، ریاض، ۱۴۱۷ ه. ق. / ۱۹۹۶ م.
- فتنی، محمد طاهر بن علی؛ **تذکرة الموضوعات**، چاپ سنگی هندوستان، ۱۳۴۲ ه. ق.
- **فقه الرضا (ع)**، مشهد، ۱۴۰۶ ه. ق.
- قمی، عباس؛ **مفاتیح الجنان**، به خط احمد صبری، مشهد، ۱۳۸۰ ش.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر؛ **کشف الغطاء**، چاپ سنگی، اصفهان، مهدوی.
- کفعمی، ابراهیم بن علی؛ **البلد الامین**، چاپ سنگی، به خط احمد نجفی زنجانی، تاریخ نگارش: ۱۳۸۲ ه. ق.

- : المصباح، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق. / ۱۹۸۳ م.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق. / ۱۹۸۳ م.
- محقق حلی، جعفر بن حسن؛ *المعتبر*، قم، ۱۳۶۴ ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ *الاشراف*، بیروت، ۱۴۱۴ هـ. ق. / ۱۹۹۳ م.
- : *المقتنه*، قم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ *زبدة البیان*، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران، مرتضوی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد؛ *کلیات شمس تبریزی*، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، ۱۳۳۶ ش.
- مهروش، فرهنگ؛ «تاریخ مراسم احیاء»، *تاریخ پژوهی*، مشهد، سال دوازدهم، شماره ۴۲-۴۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- : «انواع نماز حاجت در روایات شیعه و اهل سنت»، موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی *برنامه آموزشی - پژوهشی من*^۱، دسترسی در ۱۰ شهریور ۱۳۸۹ ش.
- : *گستره دعا پژوهی*، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- نجاشی، احمد بن علی؛ *الرجال*، به کوشش موسی شبیری، قم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ *مستند الشیعه*، قم، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- نووی، یحیی بن شرف؛ *الاذکار*، بیروت، ۱۴۱۴ هـ. ق. / ۱۹۹۴ م.
- : *المجموع*، بیروت، دارالفکر.
- : *روضة الطالبین*، به کوشش عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- همدانی، رضا بن محمد هادی؛ *مصباح الفقیه*، چاپ سنگی، تهران، صدر.
- یحیی بن سعید حلی؛ *الجامع للشرائع*، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق.

1. www.fmehrvash.com/MadarekeAmari/Anva'eNamazeHajat.htm.

— — — — — ؛ نزہة الناظر، به کوشش احمد حسینی و نورالدین واعظی، نجف،

١٣٨٦ هـ.ق.

—Heiler, F., *PRAYER, A Study in the History and Psychology of Religion*, tr. & ed. Samuel Mc. Comb, Oxford, 1932.